

پست مدرنیسم

دوره های زندگی بشر به سه دوره پیش مدرن (پری مدرن)، مدرن یا مدرنیسم (مدرنیته، تجدد و نوگرایی) و پسامدرن (پست مدرن) تقسیم می شود.

اصول اساسی و دستاوردهای مدرنیسم:

برای مطالعه پست مدرنیسم به دلیل آنکه نوعی نقد بر مدرنیسم است باید ابتدا در مورد مدنیسم بدانیم. مدرنیته یا دوره مدرن به دوره ای از زندگی بشر بعد از رنسانس و به ویژه انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ به بعد اطلاق می شود.

دستاوردهای مدرنیته (مجموعه اتفاقاتی که در دوره مدرنیته اتفاق افتاد):

ماشینیزم (ماشینی شدن زندگی انسان و ورود آن به زندگی بشری)، لیبرالیسم، سکولاریزم، ماتریالیسم، تکنولوژی (فن گرایی)، اومانیسم (انسان گرایی)، سازمان، دموکراسی، پوزیتیویسم (اصالت گرایی)، یک رژیم معرفتی و علمی، تخصص گرایی، علم گرایی، حاکمیت مدیریت علمی، بروکراسی، مدرسه، دولت در مفهوم جدید (تفکیک قوا، دموکراسی، ...، استثمار - استعمار - سلطه سیاسی، آپارتاید - کمونیسم - سوسیالیسم، رسانه ها

تعریف پست مدرنیسم:

نظریه پردازان جدید بر بام مدرنیسم ایستادند و از بالا همه بخش های آن را (اجتماعی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، ...) آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند و پست مدرنیسم یا فرا تجدد، فرا نوگرایی را به وجود آوردند. آنها معتقدند باید فراتر از مدرنیته باید فکر کنیم چون مدرنیته ناقص و ناتمام است. در مدرنیته دموکراسی، برادری و... تحقق پیدا نکرد. پس نیاز به یک نظریه جدید است. لیوتار را بنیانگذار و یا پدر پست مدرنیسم می نامند. فلاسفه دیگری نیز مانند نیچه، و میشل فوکو از متفکران این مکتب هستند.

بشر در عصر مدرنیته دچار سردرگمی شد و تقریباً در تمام زمینه ها شکست خورد و بحران های بسیاری ثمره آن است. مدرنیته هم روح و هم محیط زندگی بشری را نابود کرد مثل گرمای زمین.

بنابراین پست مدرن به رویکردی اطلاق می شود که سعی می کند که مدرنیته را مورد ارزیابی قرار دهد، آن را مورد تحلیل قرار دهد و دیدگاه خود را در همه زمینه ها جایگزین کند.

ویژگیهای پست مدرنیسم:

کلمات کلیدی : عدم قطعیت، پایان تئوری سازی، عصر نسبیت، برگشت به فردیت

۱. **عدم قطعیت**: پست مدرن به نظر می رسد در حال نظریه پردازی است و یک مدل مشخصی ندارد که قابل اجرا باشد . دوره پست مدرن دوره عدم قطعیت است .
۲. **پایان تئوری سازی** : در این عصر ساختن تئوری در باب سیاست و جامعه به پایان می رسد . مانند لیبرالیسم
۳. **عصر نسبیت** : این عصر به یک تئوری مطلق گرای اخلاقی و ارزشی دسترسی نیافته است . نمی توانیم بگوییم نظامی وجود دارد و مطلق است بلکه عصر نسبیت است .
۴. **برگشت به فردیت** : هر کسی معنایی دارد یعنی یک نوع تکثر گرایی مادی و معنوی یعنی در عصر جدید یک نوع برگشت به فردیت داریم نه به معنای لیبرالیسم بلکه فرد به عنوان شخص با شخصیتش

بحرانهای تعلیم و تربیت در عصر مدرنیته :

کلمات کلیدی: در جهت سلطه ، ابزار کنترل، دیوان سالار، ترویج خشونت ، بی اخلاقی در مدارس، رکود درسی، تربیت بازاری ، یکسان سازی ، بی توجه به تفاوتها ، مطیع کردن دانش آموز، تخصص گرایی

۱. هم در سطح ملی هم در سطح بین المللی به سمت حاکمیت و سلطه فرهنگ واحدی گرایش پیدا کرد . بنابراین به ابزاری برای سلطه تبدیل شد .
۲. به ابزاری برای کنترل اجتماعی و مهار فکری و اجتماعی تبدیل شد .
۳. جریان بی طرفی نیست بلکه دارای گرایش سیاسی به نفع یک جریان خاص و سلطه است
۴. منجر به دیوان سالاری شد
۵. خشونت محصول این عصر است
۶. رکود برنامه های درسی
۷. غیر اخلاقی شدن محیط مدرسه و کارکنان
۸. بازاری کردن تعلیم و تربیت
۹. یکسان سازی (به همه یک جور نگاه می کند)
۱۰. عدم توجه به تفاوتهای فرهنگی ، نژادی ، قومی و....

۱۱. تلاش در جهت مطیع کردن و فرمانبردار شدن دانش آموزان

۱۲. تخصص گرایی

مدل تربیتی پست مدرنیسم (ویژگی های این مدل):

کلمات کلیدی :

توانایی رها کنندگی ، تاکید بر گفتمان ، آگاهی بخش ، جنبه تحولی ، ابزار تحول ، خود اندیشی ، سفر اکتشافی ، رشد و تعالی (غیر بازاری) ، چند فرهنگی ، فارغ از جنسیت : تعلیم و تربیت باید فارغ از جنسیت باشد و نگاهش انسانی باشد

۱. توانایی رها کنندگی : تعلیم و تربیت باید به شکلی باشد که توانایی رهایی کنندگی داشته باشد . یعنی بتواند دانش آموزان از نیروهایی که وی رامهار می کنند ، برهاند.
۲. تاکید بر گفتمان : در تعلیم و تربیت باید به گفتمان تاکید کرد . تربیت انتقال نیست گفتمان است
۳. آگاهی بخش : تعلیم و تربیت باید آگاهی بخش باشد تا بتواند رهایی بخش باشد . تربیت باید به افزایش آگاهی های سیاسی ، اقتصادی ، الهیاتی و... دانش آموزان کمک کند .
۴. جنبه تحولی : تعلیم و تربیت باید جنبه تحولی داشته باشد تا بتواند موجب رهایی فرد در جامعه شود .
۵. ابزار تحول : تعلیم و تربیت باید ابزاری برای تحول باشد.
۶. خود اندیشی : معلم باید بر خود اندیشی دانش آموزان تاکید کند یعنی آنها را وادار به تفکر کند
۷. سفر اکتشافی : یادگیری یک سفر اکتشافی است . بچه ها همه چیز را باید کشف کنند . به جای تاکید بر حفظ مطالب باید بر یادآوری و تاکید بر شناخت و تفکر باشد .
۸. رشد و تعالی (غیر بازاری): تربیت باید دانش آموزان را در معرض رشد و تعالی قرار دهد ، نه متناسب بازار کار باشد
۹. چند فرهنگی : تعلیم و تربیت باید چند فرهنگی و چند صدایی باشد (یعنی به همه فرهنگها توجه کند)
۱۰. فارغ از جنسیت : تعلیم و تربیت باید فارغ از جنسیت باشد و نگاهش انسانی باشد

نقد پست مدرن :

۱. سلطه نرم : فوکو اعتقاد دارد که تعلیم و تربیت پست مدرن که آمیخته با قدرت و دانش است بسیار نرم منجر به سلطه می شود . بدین ترتیب که از دانش استفاده چند بعدی می شود هم بر او اعمال قدرت می کند و هم استفاده ابزاری برای مقاصدشان
۲. دانش و قدرت دو روی سکه : در پست مدرن دانش و قدرت دو روی یک سکه اند . دانش منجر به قدرت و قدرت در دانش و تعلیم و تربیت جلوه می کند .
۳. وجود ابهام و نسبی گرایی در اهداف تربیتی
۴. وجود تناقض میان اهداف و لوازم تربیتی
۵. عدم توجه به اهداف معنوی